



انگار دنبال سن و سال بچه‌های خودشان می‌گردند و نگاهی به آن سوی میدان می‌اندازند. می‌گویند: «مشتری‌ها وقتی عکس‌ها رو می‌بینن، به لحظه ساکت می‌مانند و آرام می‌گیرند». عکس‌ها بده به عکس‌ها خیره می‌مانند و آرام می‌گیرند. «خدا صبر بده به خانواده‌هاشون». بعد هر دو برای ثانیه‌ای ساکت می‌شوند؛ شلوغی میدان ادامه دارد. اما انگار این گوشه، هوای دیگری نفس می‌کشد.

حسین با چرخ دستی‌اش سال‌هاست کنار امامزاده صالح (ع) سبزی می‌فروشد؛ صدای او و همسایه‌های دستفروشان بخشی از صدای همیشه‌گی تجریش شده است. سبزی‌ها را هزارگانه زیرورو می‌کنند، برگ‌های پژمرده را جدا می‌گذارند و کیسه‌های مشتری‌ها را پر می‌کنند. وسط همین رفت‌وآمد و چانه‌زدن‌ها، سری

برمی‌گرداند و نگاهی به آن سوی میدان می‌اندازد. می‌گویند: «مشتری‌ها وقتی عکس‌ها رو می‌بینن، به لحظه ساکت می‌مانند و آرام می‌گیرند». عکس‌ها بده به عکس‌ها خیره می‌مانند و آرام می‌گیرند. «خدا صبر بده به خانواده‌هاشون». بعد هر دو برای ثانیه‌ای ساکت می‌شوند؛ شلوغی میدان ادامه دارد. اما انگار این گوشه، هوای دیگری نفس می‌کشد.

حسین با چرخ دستی‌اش سال‌هاست کنار امامزاده صالح (ع) سبزی می‌فروشد؛ صدای او و همسایه‌های دستفروشان بخشی از صدای همیشه‌گی تجریش شده است. سبزی‌ها را هزارگانه زیرورو می‌کنند، برگ‌های پژمرده را جدا می‌گذارند و کیسه‌های مشتری‌ها را پر می‌کنند. وسط همین رفت‌وآمد و چانه‌زدن‌ها، سری



«چشمان میناب» این روزها در میدان تجریش می‌درخشد. چشم‌هایی بر سازه‌هایی بلند که در دل میدان قد کشیده‌اند؛ سازه‌هایی که شتاب همیشه‌گی تجریش را برای چند لحظه کند، می‌کنند

# از میناب تا تجریش، حکایت چشم‌هایی که یک دنیا حرف دارند

## ای به فدای چشم تو، این چه نگاه کردن است

### گزارش

**نیولوفر منصور / گروه گزارش -** دورتا دور میدان، چشم‌ها صف کشیده‌اند برای تماشا؛ تجریش این روزها چشم دارد، چشم‌هایی که از جنوب آمده‌اند، از میناب. از مدرسه شجره طیبه که صبح روز نهم اسفند ماه ۱۴۰۴ داغ آبدی روی دلش ماند و بعد از حمله و حشایشه دشمن با چشم‌های دخترکان و پسرکان پرورش خداحافظی کرد...

میان بوق ممتد تاکسی‌ها، صدای دستفروش‌ها و رفت‌وآمد بی‌وقفه رهگذران، نگاهان چیرزی ریم میدان را می‌شکند؛ چند قاب روشن، چند جفت نگاه که مستقیم به تو خیره می‌شوند. نه شعار می‌دهند، نه توضیح بلند بالایی دارند. فقط باید دیده شوند. فاصله یک مدرسه در جنوب کشور تا میدان وسط تجریش، حالا به چند قدم کاهش یافته است. کافی است لحظه‌ای بایستی. کافی است نگاهت را نندزدی. این چشم‌ها بلک نمی‌زنند؛ میدان را وادار به مکث می‌کنند. چشم‌های آریا، علی، زهرا، مهدیس و چند دانش‌آموز دیگر از مدرسه شجره طیبه تماشا می‌کنند. هر قاب، صورتی ناتمام است که فقط چشم‌هایش باقی مانده. آتنا یا آن چشم‌های درشت، انگار هنوز چیزی را جست‌وجو می‌کند. زهرا با مردمک‌های سیاه و براق، در سفیدی چشم‌هایش می‌درخشد. میان همه این نگاه‌ها، حتی جای مکان، نصیری هم خالی نیست؛ همان کودکی که از میان آوارهای جنگ نشانی از او پیدا نشد. حالا به تجریش، میان این رفت‌وآمد همیشه‌گی، چشم‌های میناب باز مانده‌اند و جمعیت را تماشا می‌کنند.

چشم‌های میناب - این روزها در میدان تجریش می‌درخشد. چشم‌هایی بر سازه‌هایی بلند که در دل میدان قد کشیده‌اند؛ سازه‌هایی که شتاب همیشه‌گی تجریش را برای چند لحظه کند، می‌کنند. چشم‌های بزرگ و نورانی، یکی یکی چهره‌ها را نشان می‌دهند؛ صورت‌ها و نگاه‌های

دختران و پسران مدرسه‌ای در میناب؛ همان‌هایی که ساعت ۱۱ و ۲۰ دقیقه نهم اسفند، کلاس درس‌شان با صدای انفجار درهم شکست و ۱۶۰ دانش‌آموز و معلم دیگر، هرگز به خانه نرنگشتند. این چیدمان هنری اثر رضا گلپایگانی است؛ پروژه‌ای که داغ میناب را تا قلب پایتخت آورده است.

**میدان چندلایه، با یک مکث ناگهانی**

در دامنه‌های جنوبی البرز، تجریش مثل همیشه شلوغ است؛ شلوغی که انگار قرار نیست هیچ‌وقت ته بکشد. رهگذران با قدم‌های تند از کنار هم می‌گذرند، زائران از آستان امامزاده صالح (ع) بیرون می‌آیند، بعضی آرام و بعضی با عجله. دستفروش‌ها میان ازحام، جنس‌شان را بالا می‌گیرند و قیمت‌ها را بلندتر از بوق ماشین‌ها اعلام می‌کنند. مغازه‌دارها جلوی ویترین‌ها ایستاده‌اند و راننده‌های تاکسی با دستان بیرون از پنجره، مسافر صد می‌زنند. همه چیز در حرکت است؛ پیوسته و بی‌وقفه. با این همه، آنچه در این روزها بیش از هر چیز در این میدان به چشم می‌آید، مکث‌های کوتاهی است که میان این شتاب اتفاق می‌افتد. آدم‌ها در میانه راه چند ثانیه‌ای از حرکت بازمی‌مانند، سر برمی‌گردانند، آهسته‌تر قدم برمی‌دارند یا گوشه‌ای تلفن همراه‌شان را بالا می‌آورند. بعضی‌ها فقط از کنار صحنه رد می‌شوند و بعضی دیگر چند لحظه بیشتر می‌مانند؛ بی‌آن‌که چیزی بگویند. تصویرها را فاصله‌ای نزدیک ثبت

شده‌اند؛ چشم‌هایی درشت و براق، بعضی خندان، بعضی جدی. نه برقع دارند، نه نقاب؛ فقط نگاه‌اند. نگاه‌هایی که حالا از جنوب، به شمال شهر خیره شده‌اند. پسر بچه‌ای کنار بساط ساندویچ ایستد و از فروشنده می‌پرسد: «این‌ها عکس کیه؟» مرد، بی‌آن‌که دست از پهنیدن ساندویچ بکشد، آرام می‌گوید: «بچه‌های همون مدرسه... میناب». پسرک چند لحظه نگاه می‌کند و بعد، دست مادرش را می‌گیرد و در جمعیت گم می‌شود.

**تعلیق میان آگاهی و بی‌تفاوتی**

میدان تجریش همیشه در حرکت است، اما این چشم‌ها، هرچند کوتاه، آدم‌ها را وادار به مکث می‌کنند. چند قدم آن سوتر، دختر و پسر با لب‌خوان‌های چای کاغذی کنار زده‌ها ایستاده‌اند. دختر می‌گوید: «فکر می‌کردم به نمایشگاه معمولی...» پسر، نگاهش را از تصویر برنمی‌دارد: «نه... همون مدرسه که روز اول جنگ موشک خورد. ماجرای میناب ماجرای روسیایی دشمنه... هر دو ساکت می‌شوند. نه اشکی هست، نه آه بلندی؛ فقط سکوتی کوتاه میان صدای بوق‌ها. کمی با فاصله از آنها، دوز میناسال با کیسه‌های خرید از کنار قاب‌ها رد می‌شوند تا به ایستگاه تاکسی در شمال میدان برسند. کمی می‌ایستند و به چشم‌های دختران میناب نگاه می‌کنند. یکی آه می‌کشد: «آدم دلش می‌گیره، بمیرم براشون که اون روز چشم‌اشون ترس جنگ و آزار و تجربه کردن ولی زندگی دیکه باید ادامه داشته باشه...» دیگری سری تکان می‌دهد و سمت ایستگاه تاکسی می‌روند. چند رهگذر، چشم از تصاویر برنمی‌دارند و آرام از ماجرا حرف می‌زنند؛ یکی می‌گوید: «آن قدر شوهر شده بودند که سردخانه‌ها جواب نمی‌داد...» دیگری می‌گوید: «با حمله دو مرحله‌ای زند، اول یک بار، بعد دوباره برگشتند سر همون مدرسه...» سومی زیر لب می‌پرسد: «آدم چطور می‌تونه این طوری تن بچه‌ها رو

**زیرات بچه‌ها بعد از زيارت امامزاده صالح (ع)**

در ضلع شرقی میدان، چند نفر رو به قاب‌ها قافحه می‌خوانند؛ زائرانی که از امامزاده صالح (ع) بیرون آمده‌اند و پیش از رفتن، لحظه‌ای کنار این تصاویر توقف کرده‌اند. بعضی دست‌ها را بالا می‌آورند، بعضی فقط لب‌هایشان را بی‌صدا تکان می‌دهند و بعد آهسته راه‌شان را ادامه می‌دهند. زوجی میناسال، کمی دورتر ایستاده‌اند. زن زیر لب صلوات می‌فرستد و اشک گوشه چشمش می‌نشیند؛ نگاهش از یک چهره به چهره بعدی می‌چرخد،

**میدان به مثابه آزمایشگاه جامعه**

اگر چند دقیقه در بالای میدان تجریش بایستید، فضای میدان شبیه یک تجربه زنده از حافظه و فراموشی به نظر می‌رسد. در یک سو کسانی مکث می‌کنند؛ جلوی می‌آیند، نوشته‌ها را می‌خوانند، از عکس‌ها تصویری در گوشی‌شان ثبت می‌کنند یا زیر لب فاتحه‌ای می‌خوانند.

چند قدم آن طرف‌تر اما جریان همیشه‌گی میدان ادامه دارد. نه آن‌هایی که رد می‌شوند بی‌خبرند، نه آن‌هایی که می‌ایستند تماماً در سوگ؛ هر کس سهمی از این لحظه را به شیوه خودش با خود می‌برد. بخشی از این نقطه شلوغ، حالا به حیاط مدرسه‌ای در میناب وصل شده؛ به کلاسی که نیمکت‌هایش خالی مانده‌اند، اما نگاه شاگردانش هنوز در پایتخت می‌چرخد. تجریش، در این روزهای آتش‌بس، فقط محل عبور نیست؛ محل دیدن است و شاید محل به خاطر سپردن. «چشم‌نگاره میناب» به مراسم رسمی دارد، نه مجردی و بلندگو؛ تصاویر، خودشان از مدرسه و تاریخ حادثه حرف می‌زنند و بقیه راه را به تماشاگر می‌سپارند. این چیدمان، بیش از آنکه پاسخ بدهد، دعوت به فکر کردن است؛ در شهری پرخبر، هنوز می‌شود چند دقیقه ایستاد، نگاه کرد و اجازه داد این نگاه‌ها، دل را نسبت به رنج کودکان حساس نگه دارد.

## بیمه روز

day insurance

### فراخوان شرکت به مناقصه عمومی یک مرحله‌ای

- نام و نشانی مناقصه‌گزار:** شرکت بیمه دی (سهامی عام) به نشانی تهران، بلوار میرداماد، بین نفت شمالی و مدرس، پلاک ۲۳۹
- موضوع مناقصه:** تأمین ۳۰۰ دستگاه رایانه All in one با شرایط فنی ذکر شده در اسناد مناقصه
- نوع و مبلغ تضمین سپرده شرکت در مناقصه:** مبلغ ۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (پانزده میلیارد ریال) که می‌بایست به صورت یکی از موارد ذیل تهیه گردد:
  - واریز نقدی به حساب جاری شماره ۴۴۲۲۲۷ نزد بانک ملت شعبه بلوار میرداماد (نفت) کد ۱۲۶۵۷۳۰ به نام شرکت بیمه دی و یا
  - چک بین بانکی در وجه حساب جاری شماره ۴۴۲۲۲۷ نزد بانک ملت شعبه بلوار میرداماد (نفت) کد ۱۲۶۵۷۳۰ به نام شرکت بیمه دی و یا
  - ارائه ضمانت‌نامه از بانک‌ها و مراجع صادرکننده مجاز و تأیید شده قانونی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در وجه شرکت بیمه دی به نام متقاضی و با اعتبار سه ماهه و قابل تمدید
- تحویل اسناد مناقصه:** پیشنهاد دهندگان باید پیشنهاد خود را به صورت یک بسته حاوی سه پاکت مجزا و به صورت لاک و مهرشده به صورت فیزیکی به آدرس مندرج در بند ۱، تحویل دبیرخانه کمیسیون معاملات دهند و رسید دریافت نمایند. هیچ پیشنهادی به صورت شفاهی و یا از طریق دوزنگار پذیرفته نمی‌شود.
- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها:** تا ساعت ۱۵:۰۰ تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸
- زمان بازگشایی پاکت مناقصه:** تاریخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۰

شرکت بیمه دی - تهران

## بانک رفاه کارگران

REFAH KARGARAN BANK

### آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۵/۰۴

**بانک رفاه کارگران** واکذاری خدمات تعمیر، سرویس و نگهداری با تأمین قطعه انواع کامپیوتر، چاپگر، لپ‌تاپ، اسکینر تخت و کنششی منصوب در شعب و واحدهای بانک در سراسر کشور به مدت دو سال شمسی از طریق مناقصه عمومی به شرکت‌های واجد شرایط اقدام نموده. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ یا در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۲,۰۰۰,۰۰۰ ریال واریز شده به حساب شماره ۵۰۰۰۱۴ به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران در ساعات اداری به اداره تدارکات بانک، به آدرس: تهران، بلوار کاشور، روبروی بیمارستان پارس، پلاک ۱۵۲، ساختمان بانک رفاه کارگران، طبقه ششم، گروه کارشناسی مناقصات مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه به میزان ۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (ششصد میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایست به صورت وجه نقد واریزی به حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر ارائه گردد.

**ضمنا پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ توسط اعضای کمیسیون معاملات بانک در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، پایین‌تر از میدان ونک، پلاک ۲۵۸۴، طبقه منتهی یک مفتوح خواهد گردید.**

بانک رفاه کارگران - اداره تدارکات

## بیمه روز

day insurance

### آگهی فراخوان شرکت فولاد مبارکه اصفهان

ردیف	نوع آگهی	موضوع	مهلت ارسال مدارک
۱	فراخوان شناسایی تأمین‌کننده	شناسایی و ارزیابی کیفی مناقصه‌گران پروژه احداث خط اسیدشویی و نورد پیوسته گروه فولاد مبارکه به ظرفیت دومیلیون تن در سال به صورت EPC	۱۴۰۵/۰۳/۰۵
۲	فراخوان شناسایی تأمین‌کننده	بازسازی نیروگاه شماره یک شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۲/۳۰
۳	فراخوان شناسایی تأمین‌کننده	ساخت سازه‌های فلزی خطوط تولید شرکت فولاد مبارکه	۱۴۰۵/۰۲/۳۰

جهت دریافت اسناد و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص فراخوان‌های عمومی، ارزیابی کیفی، مناقصات و مزایده‌ها و بسایست شرکت به نشانی [www.msc.ir](http://www.msc.ir) قسمت مناقصات مراجعه و طبق راهنمای موجود نسبت به انتخاب فراخوان مورد نظر اقدام نمایید.

اطلاعات سایر فراخوان‌ها از طریق سایت شرکت و صفحه رسمی فراخوان‌های شرکت در شبکه‌های اجتماعی به نشانی [@Ads\\_msc](https://www.instagram.com/Ads_msc) یا شماره تماس‌های ۰۳۱۵۲۷۳۳۶۹۰ - ۰۹۰۱۰۰۴۲۶۲۷ قابل دسترس می‌باشد.

مدیریت ارتباطات و برند سازمانی گروه فولاد مبارکه

## بانک رفاه کارگران

REFAH KARGARAN BANK

### آگهی فراخوان عمومی شناسایی و جذب سرمایه‌گذار جهت مشارکت در ساخت

**بانک رفاه کارگران** به منظور تکمیل ملک نیمه‌کاره یادگار امام (ره) به شرح جدول ذیل در قالب قرارداد مشارکت، از کلیه شرکت‌های معتبر، سرمایه‌گذاران و سازندگان ذیصلاح در صنعت ساختمان دعوت به همکاری می‌نماید.

نام پروژه	کاربری	مساحت عرصه (مترمربع)	بلوک طبق پروانه	تعداد طبقات/بلوک احداث شده	تعداد طبقات/بلوک شمالی/بلوک میانی/بلوک جنوبی	وضعیت پروژه
یادگار امام (ره)	اداری- تجاری	۶,۱۴۱	۱۸	۱۲	۱۸-۱۰-۶	بلوک شمالی- بلوک میانی- بلوک جنوبی

نشانی: تهران، خیابان آزادی تقاطع یادگار امام (ره)

**محل دریافت اسناد قرارداد:**

متقاضیان دریافت اسناد می‌توانند یا در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی و ارائه رزومه و مستندات، از ساعت ۰۹:۰۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ تا ساعت ۱۴:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ به اداره مهندسی ساختمان بانک رفاه کارگران واقع در تهران، خیابان شریعتی، خیابان سمیه، پلاک ۲۵، طبقه پنجم مراجعه نمایند. لازم به ذکر است ارسال مدارک هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نموده و بانک رفاه کارگران در رد یا قبول پیشنهادات ارائه شده جهت ادامه فرآیند فراخوان و انتخاب سرمایه‌گذار مختار می‌باشد.

تضمین اجرای کامل تعهدات قرارداد مشارکت در ساخت معادل ۵٪ آورده مالک (به صورت ضمانت‌نامه بانکی) در پروژه بوده که همزمان با انعقاد قرارداد از متقاضی مشارکت اخذ می‌گردد.

هزینه‌های چاپ آگهی به عهده برنده مشارکت می‌باشد.

بازدید از ملک (در تاریخ ۲۹ و ۳۰ و ۳۱/۰۲/۱۴۰۵ از ساعت ۰۹:۰۰ تا ۱۴:۰۰) با هماهنگی بانک الزامی است.

**مهلت و محل تحویل پیشنهادها:**

متقاضیان می‌بایست پیشنهاد مشارکت را در یک پاکت در بسته لاک و مهر شده حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۲۸ به اداره مهندسی ساختمان بانک رفاه تحویل داده و رسید دریافت نمایند.

همچنین جهت دریافت اطلاعات تکمیلی یا شماره تلفن ۰۲۱-۷۷۶۰۶۷۰۰ تماس حاصل فرمائید.

بانک رفاه کارگران - اداره مهندسی ساختمان